

الگوی قرآنی مواجهه با استکبار

مقدمه

واژه «استکبار» که در ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی به طور مکرر آمده، از تعالیم قرآن کریم مایه می‌گیرد. این واژه که مفهوم آن اظهار علو و برتری در زمین و بر دیگران بزرگی فروختن و خود را قاهر و مسلط دانستن است، در آیات مختلف قرآنی و برای نمایاندن ماهیت قدرت‌های استکباری در هر عصر و زمان و معرفی خصال و صفات و روحیات و عملکردهایشان مطرح می‌گردد. بیش از ۱۵۰۰ آیه قرآن در مورد دشمن‌شناسی است که ۳۰۰ آیه آن در مورد منافقین و ۴۸ آیه پیرامون استکبار می‌باشد.

بررسی ریشه‌های قرآنی استکبارستیزی و جستجوی آن در سیره و سنت، گویای این است که فرد مسلمان نمی‌تواند نسبت به طاغوت و مستکبرین بی‌توجه باشد و با رویکردی همواره مسامحه‌آمیز و سازشکارانه با آنان مواجه شود. این موضوع

از مبانی فقهی محکمی نیز برخوردار است و از جمله مبانی آن، قاعده نفی سبیل که برگرفته از آیه چهار سوره نساء: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» است، و یا حدیث پیامبر اسلام(ص)، «الإسلام يعلو ولا يُعلى (علیه) و قال تعالى: و كلمةُ الله هي العُلْيَا بَيَانُهُ: و جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ»، که بر برتری اسلام بر هر آیین و مکتبی تأکید دارد، از جمله مبانی اسلامی و فقهی است که اجازه نمی‌دهد، مسلمین با مستکبرین، ارتباط گیرند، مگر آن‌که مستکبر ویژگی استکباری‌اش را کنار گذارد.

برخی از آیات قرآن، همچون آیه ۷۶ سوره نساء: «الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله والذين كفروا يقاتلون في سبيل الطاغوت فقاتلو أوليا الشيطان ان كيد الشيطان كان ضعيفاً»، از ضرورت مقابله نظامی با مستکبرین سخن می‌گویند؛ برخی از آموزه‌های قرآنی (همانند چگونگی برخورد حضرت موسی(ع) با فرعون) مبارزه فرهنگی با استکبار، به معنای آگاه‌سازی افکار عمومی جامعه تحت سلطه از ظلم و استبداد طاغوت را به ما می‌آموزد و بخش زیادی از آیات قرآنی خطاب به پیامبر گرامی اسلام(ص)، ترکیبی از روش‌های نظامی، فرهنگی و حتی اقتصادی را در مقابله با استکبار آموزش می‌دهند و تشخیص استفاده از کدام روش در هر موقعیتی را به پیامبر و رهبر دینی جامعه واگذار می‌کند. براین

اساس، در متن حاضر تلاش می‌شود تا الگوی قرآنی مواجهه با استکبار، تشریح و تبیین شود.

استکبار ستیزی در منظر بنیانگذار کبیر انقلاب

یکی از مشخصه‌های بارز اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره) تلاش برای وارد کردن واژه‌ها و مفاهیم قرآنی و اسلامی در ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی بود که از جمله مهمترین آنها، واژه استکبار است. حضرت امام (ره) از همان آغاز نهضت، نوک حمله تهاجم خود را به سوی استکبار جهانی و در رأس آن آمریکای جنایتکار نشانه رفت و نهضت اسلامی خود را مبتنی بر "دکترین استکبارستیزی" بنیان نهاد؛ آموزه‌ای قرآنی که یکی از مهمترین اهداف ارسال انبیاء و اوصیاء الهی در طول تاریخ شمرده می‌شود. البته حضرت امام (ره) تنها در مقام توصیف ویژگی‌های استکبار جهانی باقی نماند و با بصیرت و آگاهی و شجاعت تمام آمریکای جنایتکار را به عنوان رأس استکبار جهانی معرفی و مورد خطاب قرار داد. رهبر کبیر انقلاب اسلامی با فریاد برآوردن آن که «همه بدبختی ما از آمریکاست» از خوی تجاوزطلبی و ضرورت مبارزه و عدم رابطه با استکبار چنین سخن گفت: «خیال نکنید که روابط ما با امریکا و روابط ما با نمی‌دانم شوروی و روابط ما با اینها یک چیزی است که برای ما یک صلاحی دارد. این مثل رابطه بره با گرگ است! رابطه بره با گرگ، رابطه صلاحمندی برای بره نیست، اینها می‌خواهند از ما بدوشند، اینها نمی‌خواهند به ما چیزی بدهند.»

صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۶۰، ۱۳۵۸/۸/۴

ایشان با صراحت تمام آمریکا را «شیطان بزرگ» نامیده و اعلام می‌دارند: «آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است» همان، ج ۱۳، ص ۲۱۲، ۱۳۵۹/۶/۲۱. و از ملت ایران و ملل مسلمان و محروم جهان چنین خواستند: «هرچه فریاد دارید سر آمریکا بکشید». همان، ج ۱۳، ص ۲۱۲، ۱۳۵۹/۶/۲۱ و همه مبارزان جبهه توحید در سرتاسر جهان را این گونه بشارت دادند: «اگر دقیقاً به وظیفه مان که مبارزه با آمریکای جنایتکار است ادامه دهیم فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید». همان ج ۱۵، ص ۱۷۱، ۱۳۶۰/۶/۱۵. حضرت امام(ره) در این مسیر تلاش کرد تا با نمادسازی، جبهه مبارزه با استکبار جهانی را تثبیت کرده و بسط دهد.

تلاش استکبار برای خاموش کردن موتور اسلام ناب

قرآن بارها و با تعبیر مختلفی پیوند و دوستی و رکون به دشمنان و نادیده گرفتن کینه و دشمنی آنها را مذمت کرده و در کنار دعوت به توحید، کفر به طاغوت و در کنار تولی، تبری و لزوم مرزبندی با قدرت‌های ستمگر و ظالمان را مورد تاکید قرار داده است که نادیده گرفتن این هشدارها و دستورات الهی سبب تجرّی و جرأت یافتن و ادعاهای واهی پیش روی استکبار شده است. قرآن در آیه ۲۱۷ سوره بقره تقابل و جنگ استکبار با شما را به دلیل مسائل دینی و مبانی

اعتقادی می داند و می فرماید: «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُفَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا» و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان باز می دارد) حتی از قتل بالاتر است و مشرکان، پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند.

در این خصوص مقام معظم رهبری بارها تصریح کرده اند که موضوعاتی مانند انرژی هسته ای و مسئله موشکی و حقوق بشر برای دشمنان بهانه است و هدف اصلی استکبار خاموش کردن موتور حرکت انقلاب؛ یعنی اسلام و تسلط یافتن بر کشور و مردم است. هدف استکبار در طول سالیان متمادی، سرنگونی نظام اسلامی بوده است. اگر در نحوه برخورد استکبار با ایران اسلامی تأملی صورت گیرد، تلاش برای استحاله و نابودی اسلام، کاملاً مشهود و ملموس است. در این باره در آیات اول و دوم سوره ممتحنه آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ ... إِنَّ يَنْفَقُواكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ»

ای کسانی که ایمان آورده اید دشمن من و دشمن خویش را دوست خود قرار ندهید. شما نسبت به آنها اظهار محبت می کنید، در حالی که به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده اند. اگر آنها بر شما مسلط شوند، دشمنان خواهند بود و

دست و زبان خود را به بدی بر شما می‌گشایند و دوست دارند شما به کفر باز گردید. براین اساس، جبهه‌ی استکبار به خیال خود می‌خواهد روح و نرم‌افزار انقلاب را از آن بگیرد و موتور حرکت نظام اسلامی را خاموش کند تا زمینه و فرصت برای تهاجم‌های دیگر فراهم گردد.

چرا تعامل با آمریکای مستکبر نه؛ ولی با روسیه و چین آری!

امروزه یکی از شبهه‌هایی که توسط رسانه‌های معاند مطرح می‌شود، این است که اعلام می‌دارند سیاست نه شرقی و نه غربی اول انقلاب در ایران از بین رفته است و اگر ایران با آمریکا تعاملی ندارد در عوض به کشورهای دیگر مثل روسیه و چین باج می‌دهد. این شبهه در حالی مطرح می‌شود که هم‌اکنون مدل رفتاری کشوری مستکبر مثل آمریکا با کشورهایی مثل روسیه و چین کاملاً متفاوت است. اهداف غرب در برخورد با ایران، از بین بردن گفتمان دینی و اسلامی است، اما کشورهایی مثل چین یا روسیه به دنبال نابودی دین اسلام نیستند و مقایسه کشورهای غربی مثل آمریکا با کشورهایی مثل روسیه و چین قیاس مع الفارق است.^۱ در این زمینه، خداوند در قرآن مسیری را پیش‌روی ملت‌های

^۱ البته باید توجه داشت که این به معنای آن نیست که چین و روسیه خواهان ایران قوی باشند، بلکه مطابق با آنچه گفته شد، همچون آمریکا، اسلام را دگر هویتی خود تعریف نکرده‌اند.

اسلامی قرار می‌دهد و تعامل و ارتباط با کفاری که با دین اسلام در ستیز هستند را ممنوع می‌کند و هیچ خرده‌ای در خصوص تعامل با سایر ملت‌ها که به دنبال آسیب زدن به اسلام نیستند، نمی‌گیرد. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ...». خدا شما را نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند نهی نمی‌کند. «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ» (ممتحنه ۹و۸) تنها شما را از دوستی کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند. بنابراین، نمی‌شود گفت چرا نظام اسلامی با برخی کشورهای کافر ارتباط و تعامل دارد و با برخی دیگر نه؛ زیرا شاخص و ملاک تعامل آنها با دین و ماهیت اسلامی انقلاب است.

رضایت مستکبرین غیر ممکن است

نخستین گام دشمن دیدن استکبار، غفلت نکردن از تقابل و جنگ همیشگی مستکبران با جبهه انقلاب می‌باشد. استکبار بر اساس خُلق و خوی استکباریش جز به تسلیم کردن امت‌ها و پذیرش سلطه مستکبرانه‌اش و حذف هر رقیبی راضی نمی‌باشد و در همان حالی که یک دست خود را برای مذاکره و دوستی دراز می‌کند، با دست دیگر آن را نقص و حمله می‌نماید. لذا باید دشمن را دشمن دید و به او سوء ظن داشت؛ چرا که سوءظن به همه اقدامات او موجب هشیاری، حفظ روحیه مبارزاتی و فرهنگ جهادی و بازی نخوردن از سوی وی

می‌باشد. این واقعیتی است که قرآن با تعبیر مختلفی مسلمانان را نسبت به آن آگاه کرده است؛ گاهی سفارش می‌کند که شیطان و ایادیش را دشمن بینند «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا فَاطِر/۶»، گاهی خطاب به پیامبر(ص) و رهبری جامعه دینی می‌فرماید: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ بقره ۱۲۰» هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا (بطور کامل تسلیم خواسته های آنها شوی و) از آئین (تحریف یافته) آنان پیروی کنی. بگو هدایت تنها هدایت الهی است و اگر از هوی و هوس‌های آنها پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده‌ای هیچ سرپرست و یآوری از ناحیه خدا برای تو نخواهد بود.

بنابراین، دشمنان اهل منطق و تعامل بُرد بُرد نیستند و به کمتر از استعمار و تسلیم شدن شما در برابر اراده خود راضی نمی‌شوند. نمونه راضی نشدن را در مسئله مذاکرات هسته‌ای بارها دیده‌ایم. از دست دادن مؤلفه‌های قدرت در ایران اسلامی یکی پس از دیگری (دادن امتیازات هسته‌ای) باعث شد که آمریکای مستکبر روز به روز جری‌تر شده و در تلاش برای نابودی سایر مؤلفه‌های قدرت مثل مسئله موشکی و مسائل منطقه‌ای و... باشد. مطمئناً اگر همه مؤلفه‌ها و دستاوردهای کشورمان در راستای رضایت مستکبرین باشد، بازهم به هیچ وجه امکان راضی

شدن دشمن از ما وجود نخواهد داشت مگر آنکه به طور کامل گفتمان انقلاب و اسلام ناب از بین برود و ملت مسلمان ایران را از دین و آیین خود باز بدارد. در این زمینه، باز قرآن می‌فرماید:

«وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا» بقره/۲۱۷

بنابراین، جنگ جبهه کفر و استکبار تا زمانی که اگر بتوانند شما را از دین و اصولتان جدا کنند، ادامه دارد. برخی افراد بی‌بصیرت و غافل، دشمنان و استکبار را اهل دوستی می‌دانند و معتقدند از طریق مذاکره و گفتگو می‌توان مستکبرین را قانع کرد و آنها را در مسیر درست قرار داد. این نوع تفکر نه تنها هیچ منفعتی نخواهد داشت، بلکه بیشترین فرصت را به جبهه استکبار می‌دهد و توطئه‌های او را توهم می‌نمایاند. حضرت امیر(ع) پس از انتقاد نسبت به غفلت مسلمانان از تهاجمات دشمن می‌فرماید: «إِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْأَرِقُّ وَ مَنْ نَامَ لَمْ يُنَمَّ عَنْهُ نَهَجِ الْبَلَاغَةِ نَامَهُ ۶۲» و همانا برادر جنگ، بیداری و هوشیاری است، هر آن کس که به خواب رود، دشمن او نخواهد خوابید.

چگونگی مواجهه با استکبار

درباره‌ی الگوی قرآنی مواجهه با استکبار، حداقل می‌توان به ۱۰ شیوه و دستورالعمل قرآنی متقن و حکیمانه اشاره کرد:

۱. **تلاش برای ایجاد بازدارندگی:** منابع دینی به ویژه قرآن به ما آموخته

است که بزرگترین عامل بازدارنده جبهه استکبار از تعرض و تهاجم و مایوس کننده دشمنان آشکار و پنهان از ضربه زدن به جبهه اسلامی، آمادگی همه جانبه و توانمندی فکری و عملی داخلی است: « **وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ** » انفال ۶۰

براین اساس، به همان میزان که ضعف نشان دادن و انفعال به جبهه مقابل جرأت و جسارت حمله و تجاوز می‌دهد، پیشرفت‌های علمی و کسب آمادگی‌های روحی و تقویت توانمندی‌های عملی و نمایش اقتدار ملی در عرصه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، یأس و اضطراب و ترس را در جبهه استکبار بیشتر ساخته و خواب راحت را از آنها می‌گیرد و لذا طاغوت‌ها و سردمداران جبهه استکبار تلاش می‌کنند مردم را تحقیر و تضعیف کنند تا فرمان آنها را ببرند و سلطه آنها را بپذیرند. قرآن در توصیف سمبل استکبار و استبداد فرعون می‌فرماید: «**فَأَسْخَفَ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ** زخرف/۵۴»

۲. **فراهم کردن اسباب وحشت دشمنان:** خداوند به مومنان امر می‌کند

اسباب رعب و خوف دشمنان خدا و دشمن خویش را فراهم کنند و به هیچ وجه

درصدد رفع نگرانی از دشمن و اطمینان خاطر دادن به او نباشند. همچنین از آنان می‌خواهد برنامه‌ریزی و حرکاتشان و مسیر رشد و پیشرفتشان به گونه‌ای باشد که موجب به هم ریختگی روحی، روانی و تمرکز فکری دشمنان شود تا به راحتی نتوانند علیه جبهه حق برنامه‌ریزی کنند: «... كَزْرَعٍ أُخْرِجَ شَطَأُهُ فَأَزْرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ فَتَح ٢٩»، همچنین عصبانی ساختن کفار را به واسطه حرکت صحیح و اصولی و مواضع انقلابی، به عنوان عمل صالح معرفی نموده و برای آن پاداشی عظیم مقرر فرموده است، «... وَ لَا نَصَبٌ وَ لَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَطُؤْنَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَ لَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ توبه ١٢٠»

٣. اتخاذ مواضع انقلابی: به مومنان امر کرده که در مقابل ابراز عصبانیت و نگرانی دشمن، شدیداً موضعی انقلابی گرفته و محکم بگویند: « از ما عصبانی باشید و از این عصبانیت بمیرید!»، «...وَ إِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ آل عمران ١١٩»، البته منظور از «غیظ» در اینجا تحریک بی‌جا و بی‌مورد دشمن نیست، بلکه مقصود استحکام در مواضع و حرکت کردن در مسیر صحیح و اصولی و رو به رشد و مقاومت در این مسیر است.

بنابراین، از دشمن نباید جز دشمنی انتظار داشت. شیوه‌ها و راهبردهای او تغییر می‌کند، اما حمله و نقشه و دشمنی او همیشگی و دائمی است. مخصوصاً دشمنی که می‌بیند انقلاب اسلامی موجودیت او را به خطر انداخته و چهل سال است او را به عقب‌نشینی وادار کرده و گفتمان مقاومت و استکبارستیزی را در جهان نهادینه ساخته است. آنچه مهم است این است که نباید از دشمنان و نوع حملات آنها غفلت کرد و نسبت به آنها خوش گمان و منفعل گردید و موضع تقابل و مبارزه را از دست داد؛ زیرا **إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا** در حقیقت شیطان دشمن شماست شما [نیز] او را دشمن گیرید.

۴. ممنوعیت پیوند و دوستی با کفار و دشمنان: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ مائده ۵۱» ای کسانی که ایمان آورده‌اید یهود و نصاری را تکیه‌گاه خود قرار ندهید، آنها تکیه‌گاه یکدیگرند و کسانی که از شما به آنها تکیه کنند، از آنها هستند خداوند جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند.

ذکر یهود و نصاری در این آیه از باب نمونه است، و گرنه شکی نیست که ولایت هیچ کافری هم نباید پذیرفته شود. وقتی یاری گرفتن از کفار (استکبار) مورد نهی قرآن است، قطعاً در روابط و سیاست خارجی، نیز پذیرش ولایت و

سلطه اهل کتاب و کفار نیز ممنوع است. نکته بسیار مهمی که در این آیه است آن است که هرچند بین یهود و نصاری اختلاف شدید وجود دارد، اما پیوند آنها بخاطر نابودی اسلام است و آنها تنها نسبت به تعهدات میان خودشان شاید وفادار باشند اما نسبت به تعهدات با مسلمانان هرگز پایبند نیستند. بر اساس این آیه، دولت‌های اسلامی همانند عربستان و امارات و... که ولایت و سلطه کفار را پذیرفته‌اند، خودشان خصلت استکباری به خود گرفته و در راستای منافع استکبار جهانی گام بر می‌دارند که نمونه آن را در نسل‌کشی ملت یمن شاهدیم. در واقع، این کشورها خود در اردوگاه استکبار در حال ایفای نقش هستند.

۵. ممنوعیت ترس از استکبار: «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ

يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ» مائده ۵۲ «مشاهد می‌کنی افرادی را که در دل‌هایشان بیماری است در (دوستی با) آنان بر یکدیگر پیشی می‌گیرند، و می‌گویند می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمک آنها داشته باشیم). امروز هم عده‌ای مانند تقی‌زاده‌ها هستند که معتقدند از فرق سر تا ناخن پا باید فرنگی بود و بر اساس سیاست‌های آنها حرکت کرد! بیماردلانی که از هدایت خداوند محرومند و با سرعت تمام برای پیوستن به جبهه استکبار تلاش می‌کنند. دلیل اصلی این نوع گرایش ذلت‌بار نسبت به ابرقدرت‌ها، ضعف ایمان و وحشت از غیر خداست. در حالی که عزت سیاسی، قدرت اقتصادی و پیروزی نظامی همه از طرف خدا و در دست اوست. اگر ایمان به وعده‌های الهی در

تمامی عرصه‌ها وجود داشته باشد، قطعاً امدادهای خداوند سرازیر می‌شود. نمونه‌های امداد الهی را در پیروزی انقلاب، در جنگ تحمیلی، در حادثه طبس، در تسخیر لانه جاسوسی و در خیلی از مناسبت‌های مختلف به عینه شاهد بوده‌ایم. شخصیتی مثل سرهنگ قذافی در لیبی که به عنوان رهبر انقلابی اعراب معروف بود و قریب به سی سال در مقابل استکبار ایستادگی کرده بود، زمانی که آمریکا در سال ۲۰۰۱ به افغانستان و عراق در سال ۲۰۰۳ حمله کرد، رهبر لیبی به دلیل ترس و اعراب، تابع آمریکا شد و نتیجه همان شد که شما امروز اثری از ایشان نمی‌بینید. وقتی ترس وجود یک ملت را فرا بگیرد، قطعاً نتیجه آن کوتاه آمدن از اصول خویش خواهد بود. مسئولی که پشت تریبون دانشگاه چنان از آمریکا سخن بگوید و قدرت پوشالی آن را بزرگنمایی کند، مسلماً در مقابل دشمن کوتاه خواهد آمد و منافع ملی را به دلیل ترس و واهمه، نادیده خواهد گرفت.

در همین راستا باید به نهراسیدن از هجمه‌های تبلیغاتی و روانی دشمنان هم اشاره کرد. از جو سازی‌ها و هجمه‌های تبلیغاتی (مانند آنچه تحت عنوان اجماع جهانی و قطعنامه‌های بین‌المللی مطرح می‌کنند) هراسی نداشته باشید که شما خدا را دارید. قرآن در توصیف پیروان رسول خدا می‌فرماید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ آل عمران ۱۷۳» اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنها

گفتند: «مردم (لشکر دشمن) برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند؛ از آنها بترسید!» اما این سخن بر ایمانشان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را کافی است و بهترین حامی ما است.»

۶. ممنوعیت خوش گمانی به استکبار: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً

مِن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَتَمْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا

تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ آل عمران ۱۱۸» ای

کسانی که ایمان آورده اید محرم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید، آنها از هر گونه شر و فسادى درباره شما کوتاهی نمی‌کنند، آنها دوست دارند شما در زحمت و رنج باشید (نشانه‌های) دشمنی از دهان آنها آشکار است و آنچه در دل پنهان دارند از آن هم مهمتر است، ما آیات (و راه‌های پیشگیری از شر آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید.

خوش‌بینی به استکبار یکی از معضلات جبران‌ناپذیر برای ملت‌ها است. وقتی این آیه را مطالعه می‌کنیم به گونه‌ای است که گویی امروز نازل شده است. در این آیه، خداوند مؤمنین را از خوش‌بینی به دشمن باز می‌دارد و آنها را به هوشیاری در برابر دشمن فرا می‌خواند و اعلام می‌دارد که نباید دشمن را محرم خود قرار داد و به او اعتماد کرد. براین اساس، رهبر معظم انقلاب بارها فرموده‌اند که به آمریکایی‌ها اعتمادی نیست و نباید خوشبین بود؛ چرا که دشمن هر کاری از دستش برآید علیه ملت‌های مسلمان انجام می‌دهد و دوست دارد که ملت‌های

مسلمان در سختی و مشقت باشند. استکبار خود را مدافع حقوق بشر معرفی می‌کند اما از طرفی جهت درمان بیماران لاعلاج، حتی دارو را تحریم می‌کند و انواع تحریم‌ها و تهدیدها را علیه ملت ایران اعمال می‌کند.

دشمنی استکبار از مدل سخنانشان آشکار است. برای نمونه امروزه سیاستمداران آمریکا به عنوان «من دون» رسماً علیه نظام اسلامی سخن می‌گویند و بحث سرنگونی نظام را مطرح می‌کنند، اما متأسفانه عده‌ای با توجه به همه این وقایع، باز هم امید به گشایش از طرف غرب دارند. در حالی که خداوند دستور می‌دهد تا با تعقل نیت پلید دشمن را بشناسید. در آیه ۱۱۹ سوره آل عمران نیز بار دیگر بغض و کینه دشمنان را تبیین می‌کند و خطاب به مؤمنین می‌فرماید که به دشمنان بگویید از شما عصبانی باشد و از این عصبانیت بمیرد: « هَا أَنتُمْ أَوْلَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ آل عمران ۱۱۹ » آگاه باشید، چنانچه شما آنها را دوست می‌دارید آنان شما را دوست نمی‌دارند، و شما به همه کتب آسمانی ایمان دارید، و آنها در مجامع شما اظهار ایمان کرده و چون تنها شوند از شدت کینه بر شما سر انگشت خشم به دندان گیرند. بگو: بدین خشم بمیرید، همانا خدا از درون دلها آگاه است.

۷. ممنوعیت تکیه بر مستکبرین و ظالمان: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا

فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ هود ۱۱۳» و تکیه

بر ظالمان نکنید که موجب می شود آتش شما را فرو گیرد و در آن حال جز خدا

هیچ ولی و سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی شوید. ظلم و جنایات آمریکای

مستکبر در جهان امروزی موضوعی غیرقابل انکار است؛ از عراق و سوریه گرفته

تا یمن و افغانستان و ده ها کشور دیگر، سالهاست ظلم آمریکا را تحمل می کنند.

برخی ملت ها مثل ملت سوریه مقاومت کردند و پیروز شدند و برخی نیز تسلیم

خواسته آنها شدند و ذلت را پذیرفته اند. اتفاقی که در برخی کشورهای عربی و

اسلامی در قالب بیداری اسلامی رخ داد، چرا در برخی کشورها نتوانست آنگونه

که باید و شاید به پیروزی برسد؛ چون به مستکبرینی مثل آمریکا و رژیم غاصب

صهیونیستی رکون کردند و نتیجه آن ذلت و بدبختی آنها شده است. در روایات

می خوانیم که مودت و محبت به ظالم و اطاعت از او از مصادیق رکون به ظالم

محسوب می شود. در روایتی دیگر آمده است اگر به مقدار زمان دست به جیب

کردن ستمگر برای بخشش، راضی به زنده بودن او باشی، رکون و تکیه بر ظالم

کرده ای که خدا از آن نهی نموده است. (اصول کافی ج ۵ ص ۱۰۸)

در قرآن بارها تاکید شده است که نباید به دشمنان متکی شد و عزت و اقتدار را

در ارتباط و تعامل با آنان جستجو کرد؛ چرا که این اتفاق نشانه نفاق و رفتار

منافقانه است و قرآن در این باره می فرماید: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ

دُونَ الْمُؤْمِنِينَ أَيْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا نساء ۱۳۹» همانان که غیر از مؤمنان کافران را دوستان [خود] می گیرند آیا سربلندی را نزد آنان می جویند [این خیالی خام است] چرا که عزت همه از آن خداست. در همین راستا باز قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا نساء ۱۴۴» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کافران را بجای مؤمنان، ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید. آیا می‌خواهید (با این عمل) دلیل آشکاری بر ضرر خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟!

۸. ثبات قدم و منفعل نشدن و نفوذناپذیری در برابر استکبار: وَكَوْلًا أَنْ

تَبْتَنَّاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌ساختیم (و در پرتو مقام عصمت مصون از انحراف نبودى) نزدیک بود کمی به آنها تمایل کنی! إِذَا لَأَذْفَنَّاكَ ضِعْفَ الْحَيَاءِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا اسراء ۷۴ و ۷۵ و اگر چنین می‌کردی ما دو برابر مجازات (مشرکان) در حیات دنیا، و دو برابر (مجازات آنها) را بعد از مرگ، به تو می‌چشانیدیم، سپس در برابر ما یآوری نمی‌یافتی!

جبهه استکبار با این تحلیل که اولاً آنچه نمی‌گذارد موتور اسلام خاموش و تحریف شود ولایت است و ثانیاً ولایت بدون امت اقتدار و فرصت مبارزه ندارد و امت بی‌امام خطر ندارد و در مبارزه و جنگ با استکبار ثبات قدم نخواهد

داشت، ولی هرگاه امام و امت به هم متصل گردیدند و امت از فرماندهی و مدیریت جبهه انقلاب فرمانبری کامل داشتند، هیچ قدرتی را یارای مقابله با آنها نیست، تلاش می‌کنند پیوند و اتصال امت با ولایت را مورد تهاجم و حمله قرار دهند و با جدا کردن مردم از رهبری آنها را از جهاد و مبارزه بازدارند و بلکه در جبهه خود درآورده و پیاده نظام خویش سازند.

۹. فریب لبخند دشمن را نخوردن: وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ توبه ۵۶ و به خدا سوگند می‌خورند که آنها از شما هستند در حالی که از شما نیستند، ولی آنها گروهی هستند که می‌ترسند (و وحشت دارند لذا دروغ می‌گویند).

۱۰. سرسختی نسبت به مستکبرین: اعتدال حقیقی در همراهی با رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و اولیاء الهی آن است که نسبت به دشمنان بد گمان و نیرومند و نسبت به مومنین خوش گمان و مهربان باشید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» فتح ۲۹ محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند. در پایان به وعده‌ی خداوند به مؤمنین اشاره کرد. خداوند به مومنان وعده قطعی داده که در صورت ایستادگی و مقاومت در جبهه حق، آنان را مورد حمایت قرار داده و از سختی‌ها خارج و پیروزی حتمی را نصیب آنان گرداند، «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ

عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» حج ۳۸، «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» شرح ۵ و ۶، «... سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» طلاق ۷، «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» حج ۴۰، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَوَضُّعًا لِيَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ» محمد ۷، «وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» روم ۴۷

پس اگر پایبندی به ایمان را با همه لوازمش از جمله جهاد و استقامت رعایت کنیم، حق سست شدن و هراسیدن در این میدان را نداریم؛ چرا که خدا با مومنان است و از آنان دفاع می‌کند، «وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزِنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» آل عمران ۱۳۹، و اینجاست که دیگر از قلت عدد و کمی تعداد و محدودیت هم‌پیمانان، خوفی نخواهیم داشت، چون کسی که خدا با اوست پیروز است و لو آنکه همه دنیا مقابل او باشد، «... كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئْتَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ». بقره ۲۴۹ آیاتی که ذکر شد و بسیاری از آیات دیگر بخوبی نشان می‌دهد که مبانی اعتقادی و فکری مواضع حکیمانه و قاطع و انقلابی و بر حق رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) بر اساس مبانی کلام وحی و قرآن است و سزاوار است که خدا را بخاطر این نعمت بزرگ شاکر باشیم و با ولایت محوری کامل و مطلق حرکت در صراط مستقیم خویش را تضمین کنیم. ان شاء الله